



بجیده ترین
روندهای
لیسی

۳

کارآگاه کرگدن

در باغ وحش مرموز

غریبه‌ی عجیب و غریب

نویسنده‌ها:

پیلار لوئانو

آلخاندرو رودریگس

تصویرگر:

کلاودیا رانچی

مترجم:

کژوان آبهشت



هویا
Hooya



کارآگاه‌گردن

من توی باغ وحش زندگی می‌کنم. همه فکر می‌کنند باغ وحش باید جای آرام و بی‌دردسری باشد. ولی باغ وحش ما فرق می‌کند، چون «همیشه» ماجرای مرموزی اتفاق می‌افتد که باید حلش کنم! وقتی بیکار می‌شوم، سعی می‌کنم سرم را گرم کنم؛ به شاخ بی‌نظیرم رسیدگی می‌کنم، شطرنج بازی می‌کنم، حسابی فکر می‌کنم و مهم‌تر از همه ی این‌ها، پاهایم را توی حوض محشر گلی فرو می‌برم!

هیچ چیز مثل یک حمام داغ و گلی حال یک کرگردن شکوهمند را جا نمی‌آورد!

طوطی پلیس

من دستیار کارآگاه‌گردن هستم، اگر کمک‌های من نبود، کرگردن چطور می‌خواست تحقیقاتش را انجام دهد؟

کرگردن حواس جمع است، ولی خیلیییییییی کند است.

عوضش من حسابی تر و فرزم. می‌توانم قایمکی به هر سوراخ سنبه‌ای سرک بکشم، تماشا کنم، گوش کنم، جاسوسی کنم...

البته یک‌کمی هم حواس‌پرت‌م و یک‌عالمه هم صبر و تحمل کم است. برای همین هم همه‌اش هیجان‌زده می‌شوم، چون کار کارآگاهی حسابی هیجان‌انگیز است!

بخش ۱

فعالیت خفن شبانه



یک شب سرد زمستانی بود. باد سرد میان میله‌های قفس‌های باغ وحش می‌پیچید و صدایش حسابی گوشم را اذیت می‌کرد. داشت کم‌کم خوابم می‌برد. جایم حسابی گرم و نرم بود. پاهایم را برده بودم توی حوضِ گلِ نازنینم. آخرین نوبت حمام آن روز بود ... آخیش! ای جان!

صدایی از دوردست گفت: «تو خودت دیدیش؟»

گوش‌هایم تیز شد. گفت و گوی مرموزی بود.

- نه، نه، خودم که ندیدمش. ولی رفیقم، مورچه‌خوار، اون دیدتش.

می‌گه عمراً فکرش رو هم نمی‌تونیم بکنیم. می‌گه که ...

نشد بقیه‌اش را بشنوم. صدای باد بلند بود و نگذاشت. یکی از چشم‌هایم را کمی باز کردم. دوروبرم حسابی تاریک بود. پره‌های درخشان و رنگارنگ طوطی پلیسه، دستیارم، توی آن تاریکی برق می‌زدند. روی شاخه‌ی درخت خوابش برده بود. روی همان درختی که بهش تابلو زده بودیم. روی تابلو نوشته بودیم:

کارآگاه کرگدن

و طوطی پلیسه، دستیار زرتگش

حل انواع پرونده تقریباً توی یک دقیقه

طوطی پلیسه با صدای بلند خروپف می‌کرد.

دیگر صدای آن گفتگوی مرموز نمی‌آمد.
با خودم گفتم: «هوم. انگار دیگه خبری نیست. بگیرم بخوابم.» دوباره
چشم‌هایم را بستم.

داشت کم‌کم خوابم می‌برد که ژوسفینازرافه جیغ زد: «نه! نگوا!»
تمام اهالی باغ وحش زابه‌راه شدند و قشقرقی به پا شد.





یک فیل گم شده است؟ غذای شیرها را دزدیده‌اند؟ سنگ‌های
آبی را مسموم کرده‌اند؟ خرس‌های پاندا را رنگی کرده‌اند؟ توی
استخر خون ریخته؟ برای شغال نامه‌های تهدیدآمیز فرستاده‌اند؟ چه کسی
برای شترمرغ تله کار گذاشته؟ چه کسی شب‌ها قلمبینه‌ها را می‌ترساند؟
هوم ... همه‌ی این‌ها از اسرار این باغ وحش هستند.
می‌خواهید این پرونده‌ها را حل کنید؟ پس معطلش نکنید و بیایید پیش من.
توی قفس سوم نشسته‌ام. توی حمام گل خودم. بله، این منم. کار آگاه‌گردن!
منتظر پرونده‌ی بعدی! ... بوی هیجان را از همین حالا می‌شنوم.

چه کسی بی‌تی پلنگه را زخمی کرده؟ چه کسی باعث شده زنبورها زبان
مورچه‌خوار را نیش بزنند؟ چه کسی روی پاندا رنگ سیاه پاشیده؟ نکند این‌ها
کار او باشد؟ کار آگاه‌گردن مقصر اصلی را پیدا می‌کند!

© copyright

با رعایت قانون کپی‌رایت

نشر هوپا

گروه سنی

۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲

ISBN-978-600-865-569-5



9 786008 655695

قیمت: ۱۱۰۰۰ تومان

هوپا
Hoopa